



... و ناگهان بینوایان

به بهانه اجرای نمایش بینوایان در فرهنگسرای بهمن

برای من و بچه های محله ما که در بازارچه
جوادیه بدنیا آمده و بزرگ شده ایم، کشتارگاه
محل بازی و تفریح تابانی نهایت است. بوی بد، بینی
ما را اذیت نمی کند و فاضلاب آن منبع بزرگ
آلودگی نیست. اینجا محلی است که ما بزرگ و
تربیت شده ایم، درس خوانده، بازی کرده...
کشتارگاه برای بچه های محله ما یعنی یک محله؛
محله ای به وسعت زندگی همه ما

از روزی که قرار شد کشتارگاه به بیرون
شهر و ضلع جنوب غربی ایستگاه راه آهن منتقل
شود، بیش از چهل سال می گذرد. در آن موقع
هیچ کس فکر نمی کرد، تهران بقدری بزرگ شود
که این مکان دوباره به داخل شهر برگردد. تهران
هر چند در اول کشتارگاه را از خود راند و به
بیابانهای اطراف کوچ داد، اما کم کم یا حجیم
شدن بادیادگی خود، آن را مانند نیکینی دربر گرفت.
خانه ها بزرگتر و محله ها روز به روز گسترده تر
شدند. در میان تولد محله های مختلف، محله ای
بدنیا آمد که کشتارگاه نام گرفت. این محله مانند
محله های دیگر تهران مردم خودش را داشت،
فرهنگ خود و همچنین مناسبات ویژه خود را.
مردم این محله بیشتر از همه بوی خون و کثافت
حیوانات را می شناختند این همان بوی آشنایی
بود که هر روز صبح به همراه بوی نان داغ به
خانه ها می آمد و آخر شب هنگامی که رختخوابها
روی زمین و یا در شبهای تابستانی روی پشت
بامها پهن می شد، از خانه ها می رفت. مردهای
این محله بیشتر از هر چیز، با کار دسلاخی آشنا
بودند و بازیچه بچه های محله، از استخوانهای
حیوانات ذبح شده درست شده بود. هفته ای نبود
که چاقوکشی بزرگی در محله انجام نکیرد و ماهی
نبود که کسی در این دعاها کشته نشود. برای
این کار احتیاج به جرم نبود تنها بهانه کوچکی
می توانست خون انسانی را همراه خون حیوانات
دیگرهای فاضلابهای مخصوص کند شاید تقدیر

گاهی اینطور رقم می زد که انسانی بجای حیوانی
ذبح شود.

کشتارگاه تهران در سال ۱۳۲۷ و توسط
آلمانیها ساخته شد. ایجاد این مکان یکی از
ضروریات آن موقع شهر بود. پراکندگی کشتار
دام نه تنها به ضرر مردم شهر بود، بلکه موارد
غیر بهداشتی زیادی نیز در این میان دیده می شد.
در سال ۱۳۲۷ یک شرکت روسی بخش اعظم
کشتارگاه را احداث و راه اندازی کرد. یک شرکت
روسی دیگر هم یک سردخانه بزرگ ساخت، همان
که امروز تبدیل به استخر شنا و حمام سونا شده
است. وقتی گسترش تهران به محله کشتارگاه
رسید و این مکان جزء شهر گردید، اعتراض مردم
بلند شد. کشتارگاه هر چند کلیه گوشت شهر
تهران را فراهم می کرد اما منبع بزرگ آلودگی نیز
بود، هر چند مادیگر در برابر میکروبهای ریز و
درشت این مکان مصونیت پیدا کرده بودیم. این
وضعیت تایک دهه بعد از انقلاب هم ادامه داشت تا
اینکه شهردار تهران بر روی این مسأله نقطه پایان
گذاشت و این نقطه پایان چه زیبا بود.

کشتارگاه تخریب شد و در عرض یکماه بر
روی خرابه های آن محطی سرسبز با انواع
محل های ورزشی، تفریحی و هنری سر بر آورد.
نقطه پایانی که با شروعی بسیار زیبا همراه بود.
کشتارگاه قنوسی بود که بر روی خاکستر جسد
آن، عمارت زیبایی فرهنگسرای بهمن پدید آمد.
فرهنگسرای بهمن تاکنون تالار شهید آوینی با
ظرفیت ۵۰۰ نفر تالار بسم آ... خان، موزه
هنرهای تجسمی، کتابخانه شهید فهمیده،
سینما تراس چاپلین، استخر، سونا، سالن های
متعدد ورزشی و ... ساخته است.

در فرهنگسرای بهمن، تنها سلاخ خانه به
موزه تبدیل نشده بلکه در ظرف مدت کوتاهی
هویت منطقه تغییر کرد. موزه هنرهای نمایشی
جهان این فرهنگسرا در محل خرابه های سالن



کشتارگاه و نمایشگاه هنرهای تجسمی به جای سالن کله و پاچه و پوست و سیراب شویی و غذاخوری سلاخان ساخته شد. دیگرصدای ناله دام مردم این منطقه را نمی‌آزارد و تنها سمفونی موجود ضجه دامهایی که درحال قربانی شدن هستند، نیست. حالا آوای موسیقی اصیل در این منطقه طنین انداخته است و تابلوهای نقاشی، نقاشان کودک تا استادان این فن در دیوارهای فرهنگسرا جاخوش کرده‌اند. در فرهنگسرای بهمن مبارک هست، سیاه بازی هست و خیلی چیزها و هنرهای دیگر هم وجود دارد. فرهنگسرا امروز میعاد گاه بچه‌ها و هنرمندان رشته‌های مختلف هنری است. فرهنگسرای بهمن باعث شد جنوب شهر دوباره زنده شود، جایی که مردم شهر آن را فراموش کرده بودند. یادش بخیر آن روز پیر زن به گریه افتاد. می‌گفت تا امروز فامیل هایمان به خانه ما نمی‌آمدند، می‌گفتند خانه اتان بومی دهنده، مگس داره و ... اما حالا خیلی خوب شده است. دیگر بچه هایمان مریض نمی‌شوند.

سالن شهید آوینی، سالن روباز فرهنگسرای بهمن بود. این سالن که مخصوص اجراهای تئاتر روباز و تعزیه است در طی سالها تغییرات فراوانی کرد. این سالن در یک مرحله مسقف شد و به همین شکل مورد بهره برداری قرار گرفت. در هنگام اجرای نمایشنامه بینوایان تصمیم گرفته شد، سالن تغییر کند و در حداستانداردهای بین المللی بازسازی شود. در مرحله اول تغییر سالن، احداث خوابگاه، رختکن و اتاق گرم، حمام و ... به ساختمان جدید شهید آوینی اضافه شد. تغییر سالن بعد از اجرای نمایش بینوایان هم ادامه خواهد داشت و طی آن کلاسهای کامپیوتر و کتابخانه به ساختمان جدید این سالن اضافه خواهد شد.

اجرای نمایش بینوایان بهانه‌ی مناسبی برای بازسازی سالن شهید آوینی بود که طی آن این سالن به طور اساسی تغییر کرد. در بینوایان یکبار دیگر یاران قدیمی تئاتر کشور دور همیدگر جمع شدند، آنها که مشکلات زندگی، باعث شده سالها از میدان این عرصه دور باشند. کسانی که روزگاری بار سنگین رسالت تئاتر کشور بر دوش ایشان بود. هرکس که قبل از این به سالن آمفی تئاتر شهید آوینی رفته، نیک می‌داند که این سالن تنها شمایی از یک سالن تئاتری داشته است و حالا ... اکنون که نمایش مراحل انتهایی خود را طی می‌کند و آماده اجرا می‌شود همه چشم انتظار هستند، چشم انتظار دیدن نمایش ویژه از یک شاهکار ادبی در سالنی مجهز و نمونه.

سردبیر مجله اصرار داشت که گزارش از پشت صحنه نمایش فوق تهیه شود. اما من چون به این نوع گزارشها حساسیت دارم، گزارش را به سمت و سوی دیگری سوق دادم. احساسم این

وجود آمده، بچه‌های محله ما دیگر باکثافت و آشفته‌های آلوده سروکار ندارند. آنها خوشحال هستند حتی از قبل هم راضی تر. دیگر می‌توان بجای بازی درخراجه‌ها به سالن سینما رفت، همان سالنی که سقفش در عرض ۳ دقیقه کنار می‌رود و چه لذتی دارد در شبهای تابستان فیلمی را در این سالن ببینی درحالی که سقفی بالای سرت نیست و هر چه هست آسمان است و ستاره‌هایی که از آن آویزان است و توهوس می‌کنی آنرا ببینی و در وجودت فریاد بزنی:

فرهنگسرا
در آخر چوادیه
این سوی نازی آباد است
و مردم محله من هر صبح
با بوی سبزه
بیدار می‌شوند
در بوی سبزه و گل
اینجا بهار نفس می‌کشد
نفس عمیق
انبوه آدمها در داخل فرهنگسرا
شور و شوق زندگی را
در ذهنم
بیدار می‌کنند ...

سعید محبی

بود که بانستن مواردی از قبیل اینکه گروه در صمیمیت وصف ناشدنی درحال تمرین است و یا تصویر کارگردان که مجدانه و در تقلا برای اتمام کار است، توصیف پشت صحنه که بسیار مجهز و مدرن شده و ... دردی را دوا نخواهد کرد. برای این منظور زندگی در منطقه خاص چوادیه و کشتارگاه به کمک آمد و شد این که خواندید. در آخر نقل خاطره ای از کارگردان نمایش در مورد فرهنگسرای بهمن خالی از لطف نیست. آقای بهروز غریب پور کارگردان نمایش بینوایان از زمانی که مسؤلیت مدیریت فرهنگسرا را بعهده داشت نقل می‌کند: «شنبه روز تعطیلی فرهنگسراست. آن روز شنبه بود. به فرهنگسرا رسیدم و وقتی از ماشین پیاده شدم، بچه کوچکی صدایم کرد. به نام برگشتم و تعجب کردم که چطور این بچه اسم مرا می‌داند. گفت: «سالنها تون باز نیست. پس کی باز می‌کنین؟» ده سال بیشتر نداشت. گفتم: امروز روز شنبه و روز تعطیلی فرهنگسراست. گفت: «آهان، یادم آمد». صبح زود آمده بود تا از سالنها استفاده کند. هر چند آن روز کار زیاد داشتم و دچار تکرانی شدیدی بودم، اما صدا کردن آن بچه همه نگرانی هایم را از بین برد. آن بچه به نمایندگی از همه مردم آن محله مرا صدا زد و گفت که به یاد ما باش! آری خیلی وقت است، یعنی از وقتی که فرهنگسرا



سپهر

در آسایش زمان بیخوابی اثر و یکپارگی هویت
نویسنده و کارگردان: بهروز غریب پور
طراحی صحنه و لباس: خسرو خورشیدی



فصل اجرا:
فرماندهای تهران
تالار شهید آوینی
آغاز اجرا:
۳ آذر ماه ۱۳۷۵
بیمارستان آجرا
فرماندهای تهران

انتخاب و تنظیم موسیقی: هوشنگ کامکار
طراح کریم و جلوه های ویژه: بیژن محبتی
طراح نور: بهروز غریب پور

اولین دوره مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی در ایران به مناسبت روز جهانی تئاتر ۱۳۷۶ ماهنامه «سینما، تئاتر» برگزار می کند.

ماهنامه «سینما، تئاتر» در راستای اهداف علمی و آموزشی خود از تمام نمایشنامه نویسان ایرانی برای حضور در این همایش بزرگ دعوت به عمل می آورد. در اولین دوره این مسابقات هیچگونه محدودیتی از نظر تعداد آثار برای ارسال در مسابقه وجود ندارد.

شرایط شرکت در مسابقه:

- ۱- آثار چاپ شده و چاپ نشده و همینطور آثاری که اجرا شده اند و یا هنوز به مرحله اجرا نرسیده اند می توانند در این مسابقه شرکت کنند.
- ۲- آثار ارسالی در ۳ نسخه، یک روی کاغذ و حتی الامکان تایپ شده یا با خط خوش ارسال شود.
- ۳- کلیه نمایشنامه نویسان کشور می توانند آثار خود را حداکثر تا پایان دی ماه ۱۳۷۵ ارسال کنند.

جوایز مسابقه:

- نفر اول: تندیس زرین، دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۵۱۰۰۰/۰۰۰ ریال
نفر دوم: تندیس زرین - دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۴۱۰۰۰/۰۰۰ ریال
نفر سوم: تندیس زرین، دیپلم افتخار و جایزه نقدی به مبلغ ۳۱۰۰۰/۰۰۰ ریال
به نفرات چهارم تا دهم علاوه بر دیپلم افتخار جوایزی نیز اهدا خواهد شد.
- ✓ نفرات برگزیده طی مراسمی در روز جهانی تئاتر در فروردین ماه سال ۱۳۷۶ معرفی می شوند.
 - ✓ آثار برگزیده توسط ماهنامه «سینما، تئاتر» منتشر می شوند و تمامی حق طبع و انتشار آن متعلق به سینما، تئاتر است.
 - ✓ داوری مسابقه به عهده اساتید و نمایشنامه نویسان حرفه ای کشور خواهد بود.
 - ✓ اطلاعات بیشتر و گزارش آغاز مراحل کار را در ماهنامه «سینما، تئاتر» بخوانید.
 - ✓ ضمناً در شماره آینده ماهنامه اسامی داوران مسابقه اعلام خواهد شد.

نمایشنامه ها را به آدرس تهران - صندوق پستی شماره ۵۷۷۸ - ۱۴۱۵۵ ارسال نمایید.

فرم شرکت در اولین دوره مسابقه سراسری نمایشنامه نویسی در ایران به مناسبت روز جهانی تئاتر ۱۳۷۶

نام: _____ نام خانوادگی: _____

نام اثر ارسالی: _____

کد ویژه

لطفاً در این قسمت چیزی ننویسید

تلفن تماس: _____

چاپ شده چاپ نشده اجرا شده اجرا نشده

تحصیلات: _____ آدرس: _____